

The Process of Application of Female-Language Criteria in Two Selected Books, The Last Sunday and Shina's Daughter, Looking at Sarah Mills' Linguistic Approach

Mojgan Jafari 

Ph.D. Student in Persian Language and Literature, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Soheila Mosavi Sirjani * 

Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abdolhossein Farzad 

Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

Holy defense is a part of our country's history, and a fair look at this historic period is realized when it's studied through the minds of all those who were involved. The books of women's war memories, both quantitatively and qualitatively, still have a lot to do with men's diary books. Here, the frequency of the use of twenty components of feminine effects of language, expressed by experts or understood by the author, was evaluated by emphasizing on existence of women's style in their writings, reviewing two selected books of women's memories in national festivals that were selected with ten years time distance, "The last Sunday" and "Shina's daughter", and looking at Sarah Mills' linguistic approach at levels of linguistic structure, thought, and content structure. These components can contribute to the process of developing a theoretical critique of women's works, especially in the war memories field. In the process of these components' application over ten years, usage of feminine vocabulary in the linguistic structure (Lexical) has been significantly enhanced in "Shina's daughter" versus "The last Sunday" and referring to the religious and national doctrines (in the structure of thought and content) has been significantly decreased. Pointing to the color and material of objects in "Shina's daughter" is modestly reduced, but the use of a weak and supportive tone is increased. The rest criteria were not changed significantly. These changes can be influenced by the cultural, political, and social circumstances of the society or the author's individual circumstances.

Keywords: Language, Feminine Criteria, Women Memories, The Last Sunday, Shina's Daughter.


* Corresponding Author: mousavisirjanis@gmail.com

- The present paper is adapted from a Ph. D thesis on Persian Language and Literature, Islamic Azad University, South Tehran Branch.


How to Cite: Jafari, M., Mosavi Sirjani, S., Farzad, A. (2021). The Process of Application of Female-Language Criteria in Two Selected Books, The Last Sunday and Shina's Daughter, Looking at Sarah Mills' Linguistic Approach. *Literary Text Research*, 25(89), 59-85. doi: 10.22054/ltr.2020.34489.2366

سیر کاربرد انگاره‌های زنانه‌ی زبان در دو کتاب یکشنبه‌ی آخر و دختر شینا با نگاهی به رویکرد زبانی سارا میلز


دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مژگان جعفری 

دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

سهیلا موسوی سیرجانی * 

دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

عبدالحسین فرزاد 

چکیده

دوران دفاع مقدس، بخشی از تاریخ کشور ماست و نگاه عادلانه به این برهه تاریخی، زمانی محقق می‌شود که از نگاه تمام کسانی که درگیر آن بوده‌اند، مورد بررسی قرار بگیرد. کتاب‌های خاطرات زنان از جنگ به لحاظ کمی و کیفی هنوز فاصله بسیاری با کتاب‌های خاطرات مردان دارند. در این مقاله با تأکید بر وجود سبک زنانه در آثار زنان نویسنده و بررسی دو کتاب برگزیده خاطرات زنان در جشنواره‌های کشوری که در فاصله زمانی ۱۰ ساله از یکدیگر برگزیده شده‌اند، یکشنبه‌ی آخر و دختر شینا، بسامد کاربرد ۲۰ مؤلفه از جلوه‌های زنانه‌ی زبان که توسط صاحب‌نظران بیان شده یا به نظر نگارنده رسیده‌اند با نگاه به رویکرد زبانی سارا میلز در سطوح ساختار زبانی و ساختار اندیشه و محتوا ارزیابی شدند. این مؤلفه‌ها می‌توانند به روند رشد نقد نظری آثار زنان به ویژه در حوزه خاطرات جنگ کمک کنند. در سیر کاربرد این مؤلفه‌ها طی دوره ۱۰ ساله، استفاده از واژگان زنانه در بخش ساختار زبانی (صرفی) در دختر شینا به شکل معناداری نسبت به یکشنبه‌ی آخر افزایش و اشاره به آموزه‌های دینی و ملی (در بخش ساختار اندیشه و محتوا) در آن کاهش معنادار داشته است. اشاره به رنگ و جنس اشیاء در دختر شینا در حد متوسط، کاهش، اما استفاده از لحن ضعیف و حمایت‌طلبانه در آن افزایش داشته است. بقیه موارد تغییر قابل توجهی نداشته‌اند. این تغییرات می‌توانند تحت تأثیر شرایط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی جامعه یا شرایط فردی نویسنده باشند.

کلیدواژه‌ها: زبان، انگاره‌های زنانه، خاطرات زنان، یکشنبه‌ی آخر، دختر شینا.

– مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب است.

* نویسنده مسئول: mousavisirjanis@gmail.com

مقدمه

هشت سال دفاع مقدس، روایت زنان و مردانی است که در مقابل دشمن دلیرانه ایستادند و جنگیدند و از مرزهای جغرافیایی و اعتقادی خود دفاع کردند، اما خاطرات زنان تا سال‌ها بخشی تقریباً فراموش شده در بین خیل عظیم خاطرات دوران دفاع مقدس بود. باگذشت سال‌ها از پایان جنگ و عبور زنان از مرزهای سکوت، خاطرات گفتاری و نوشتاری زنان کم‌کم توسعه یافت. نگاه حماسی و گاه احساسی به جنگ، طی سال‌های دهه ۸۰، تبدیل به نگاهی واقع‌بینانه شد و دور جدیدی از خاطره‌نویسی زنان از دفاع مقدس شکل گرفت. این نگاه با زبانی متفاوت از مردان، خاطراتی را نقل می‌کند که در بین مخاطبان، مشتاقان بسیاری پیدا کرده و تعدد دوره‌های چاپ کتاب‌های خاطرات زنان، مؤید همین مطلب است.

خاطرات زنان از نظر ملاک و معیارهای عمومی مانند استناد، نگارش، موضوع و... تفاوت معناداری با خاطرات مردان ندارند، اما اختلافاتی در حوزه زبان و در نوع نگاه و روایت ایشان از جنگ مطرح است که به واسطه وجود نموده‌های زنانه در زبان، قابل بررسی است. باید به این نکته توجه داشت که روایت یا گفتمان، تشکلی سازمان یافته و هدفمند از واژه‌ها و جملاتی است که در یک متن گرد آمده و به آن زندگی می‌بخشند. به همین جهت نهادهای اجتماعی، شرایط جامعه و حتی متون مختلف می‌توانند نقش مهمی را در توسعه گفتمان اجرا کنند. در این مقاله تلاش شده است با بررسی چندجانبه مقوله گفتمان و روایت در کتاب‌های خاطرات زنان از جنگ در یک برهه زمانی مشخص، روند به کارگیری انگاره‌های زنانه زبان در دو کتاب منتخب خاطرات زنان که راوی و نویسنده آن‌ها زن بوده است و در فاصله زمانی ۱۰ ساله از یکدیگر در یک جشنواره معتبر برگزیده شده‌اند به پاسخ این سؤالات برسد که نشانه‌های سبک زنانه در زبان و قلم نویسندگان این دو کتاب کدامند؟ همچنین آیا تفاوت معناداری در کاربرد شاخصه‌های سبک زنانه زبان بین این دو کتاب وجود دارد یا خیر؟ علاوه بر این، کاربرد مؤلفه‌های زنانه در این دو کتاب با توجه به فاصله ۱۰ ساله انتخاب آن‌ها با عنایت به تغییر شرایط فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشور در دو حوزه «زبانی» و «اندیشه و محتوا» چه تغییراتی داشته است؟

لازم است که همگام با رشد کمی آثار روایی زنان با پرداختن به نقد و آسیب‌شناسی این گونه ادبی، راه را برای رشد کیفی خاطره‌نویسی زنان آسان کنیم. نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند مسیر شناخت ویژگی‌های زنانه زبان و کاربرد آن را در کتاب‌های خاطرات

زنان هموار کرده و کمک بزرگی در مسیر نقد این آثار باشد و نیز موجبات رشد فنی و علمی این گونه ادبی را فراهم آورد. علاوه بر این، توجه به تفاوت‌های زبانی زنان و مردان با افزایش فعالیت‌های فمینیست‌ها از اواخر دهه ۶۰ میلادی در کشورهای غربی اهمیت فراوانی پیدا کرد. بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که زنان با توجه به اخلاقیات و روحیات متفاوت با مردان، نگرش متفاوتی نسبت به دنیای اطراف خود دارند، پس نشانه‌های زبانی و شیوه‌های نگارشی ایشان نیز متفاوت است. به این ترتیب، ارزش این پژوهش در حقیقت بررسی دیدگاه‌های مختلف زنان با توجه به کاربردهای زبانی و شیوه نویسنده‌گی متفاوت ایشان برای رسیدن به درک متقابل و ساختن جهانی بهتر است.

به همین ترتیب نیز در گونه ادبی خاطره‌نویسی دفاع مقدس، نادیده گرفتن تفاوت بین مردان و زنان در بیان روایت، باعث احساس بی‌نیازی از خاطرات زنان و در نتیجه، مانع بسترسازی مناسب برای ورود بهتر و بیشتر زنان به عرصه خاطره‌نویسی است. علاوه بر آن، هنوز ملاک و معیار ثابتی برای سنجش آثار مختلف روایی زنان وجود ندارد و این بررسی می‌تواند زمینه را برای رشد کمی و کیفی این نوع ادبی در حوزه خاطرات زنان هموار کند.

۱. پیشینه پژوهش

طبق بررسی‌های انجام شده، پژوهشی با این هدف و عنوان در حوزه کتاب‌های خاطرات زنان انجام نشده است. از جمله مقالات نزدیک به این موضوع مقاله‌های «رابطه زبان و جنسیت در شش رمان معاصر فارسی» (محمودی بختیاری و دهقانی، ۱۳۹۲)، «تجلی نوشتار زنانه در کتاب‌ها» (نیک منش و برجی خانی، ۱۳۹۲)، «بررسی تفاوت‌های زبانی زنان و مردان در ادبیات مقاومت با تکیه بر مکالمات رمان‌ها» (بهمنی مطلق و فرقانی، ۱۳۹۴)، «بررسی متغیر جنسیت با تکیه بر زبان زنانه در رمان کنیز و اثر منیرو روانی‌پور» (دلبری و میرزایی و عرب‌پور، ۱۳۹۶)، «تحلیل متغیر جنسیت در گفت‌وگو غالب نویسندگان زن ایرانی» (سراج، ۱۳۹۶)، «تأثیر جنسیت بر زبان زنان معاصر» (رضوانیان و ملک، ۱۳۹۲)، «بررسی تأثیر جنسیت بر زبان پاره‌ای از نویسندگان زن و مرد معاصر ایران» (باقری خلیلی و مقدسی، ۱۳۹۴)، «چگونگی تأثیر جنسیت بر ادبیات» (کراچی، ۱۳۹۴)، «زبان و نوشتار زنانه، واقعیت یا توهم؟» (طاهری، ۱۳۸۸)، «بررسی زبان نوشتاری زنان براساس نظریه گفتمان جنسیتی» (طالبیان و تسنیمی و بیابانی، ۱۳۹۵)، «بررسی ویژگی‌های زبان زنانه در مقایسه با زبان مردانه در ترجمه رمان» (تقدمی و عزتی، ۱۳۹۵)، «کاربرد واژگان در رمان سمفونی مردگان از منظر زبان و

جنسیت» (ناصری و شرافتی، ۱۳۹۷)، «مؤلفه‌های نوشتار زنانه در رمان سرخی تو از من» (قاسم زاده و علی‌اکبری، ۱۳۹۵)، «بررسی سبک زنانه در رمان کوچه اقاچیا» (عرب یوسف آبادی و کلبعلی، ۱۳۹۷)، «کاربرد واژگان زنانه در کتاب یکشنبه آخر» (محمودی و سنچولی و شیخ، ۱۳۹۷) و «نشانه‌های سبک زنانه در ادبیات داستانی معاصر» (یونسی و مشتاق مهر و عزیززاده، ۱۳۹۶) اشاره کرد، اما پژوهش حاضر ضمن بررسی نمودهای زنانه در قلم نویسندگان زن کتاب‌های خاطرات جنگ با در نظر گرفتن فاصله ۱۰ ساله در زمان انتخاب دو کتاب برگزیده، ضمن تحلیل سیر به‌کارگیری این مؤلفه‌ها به دنبال یافتن تفاوتی معنادار در روند کاربرد آن توسط نویسندگان است.

۲. روش

سارا میلز^۱ به عنوان یکی از صاحب‌نظران در عرصه مطالعات مرتبط با جنسیت مطرح است. او با بررسی نظریات روان‌شناسان و محققان حوزه جامعه‌شناسی زبان که بر تأثیر جنسیت بر زبان و نوشتار تأکید کرده‌اند و با در نظر داشتن نظرات فمینیست‌ها، روش‌های تحلیل آثار داستانی زنان را در کتاب مشهور خود «سبک‌شناسی فمینیستی» بیان کرده است؛ بنابراین، روش تحلیل در این پژوهش نیز با تکیه بر نظر ایشان صورت گرفته است.

جامعه آماری این پژوهش، کتاب‌های برگزیده خاطرات زنان از دفاع مقدس در جشنواره‌های معتبر کشوری بوده و نمونه تحقیق، دو کتاب یکشنبه آخر و دختر شینا که با فاصله ۱۰ سال موفق به کسب رتبه در جشنواره‌ها شده‌اند، است.

روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای است و تحلیل آثار با تکیه بر دیدگاه سارا میلز، ضمن بررسی بسامد کاربرد مؤلفه‌های زنانه در سه بخش ساختارهای صرفی، نحوی و اندیشه و محتوا و محاسبه آن به نسبت تعداد صفحات هر کتاب و ارائه جدول آماری و جدول مقایسه‌ای به شکل درصد انجام شده و نتایج آماری دو کتاب با یکدیگر مقایسه و نتیجه‌گیری نهایی انجام شده است.

1- Mills, S.

۳. یافته‌ها

۳-۱. تفاوت‌های زبانی زنان و مردان

برخی زبان‌شناسان، زبان را نوعی رفتار اجتماعی دانسته‌اند که مهم‌ترین نقش آن ایجاد ارتباط است. به این ترتیب جنسیت می‌تواند به عنوان عاملی اجتماعی در زبان نیز تأثیرگذار باشد؛ «یکی از عوامل غیرزبانی که ممکن است در گفتار منعکس شود و ایجاد نوعی لهجه کند، جنسیت^۱ است. گفتار زنان در هر جامعه زبانی ویژگی‌هایی دارد که آن را کم و بیش از گفتار مردان متمایز می‌کند» (باطنی و دیگران، ۱۳۸۱).

در تحلیل زبانی یک اثر ادبی باید به شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که آن اثر در آن شکل گرفته است، توجه کرد. جنسیت نیز در کنار عواملی چون طبقه اجتماعی، اعتقادات یا ارزش‌ها می‌تواند در خلق آثار ادبی مؤثر باشد. میلز معتقد است که زنان نویسنده، مؤلفه‌های متفاوت زبانی را در ساختار و در محتوای آثار خود به کار می‌گیرند و تحلیل زبانی این آثار باید در سطوح واژگان، جملات و تحلیل براساس گفتمان (ارتباط کلمات با یکدیگر در سطوح بالاتر) انجام شود. به عقیده میلز در تحلیل آثار زنان باید پرسش‌های زیر مطرح شود:

- از چه واژگانی استفاده شده و این واژگان چه مفهومی از هویت زنانه را بازتاب می‌دهد؟
- برخورد مردان و زنان در متن و بازتاب صدای زنانه چگونه است؟
- عبارات و جملات استفاده شده در متن متأثر از جنسیت نویسنده است؟
- راوی کیست؟
- زاویه دید چگونه است؟
- متن بر منافع چه کسی تأکید دارد؟
- از زنان بیشتر استفاده شده یا مردان؟

میلز معتقد است با طرح این سؤالات امکان رسیدن به یک روش نظام‌مند برای تحلیل زبانی وجود دارد (میلز، ۲۰۰۵). او همچنین عقیده دارد که آثار فوکو^۲ نقش مهمی در کشف طیفی از نظریه‌های گوناگونی داشته که زیر چتر اصطلاح «گفتمان»^۳ گرد آمده‌اند. به همین دلیل، اساس کتاب گفتمان خود را آثار فوکو قرار داده است. «اصطلاح گفتمان، ریشه در

1 Sex

2- Foucault

3- Discourse

بطن نظام بزرگ تری از آراء نظری کاملاً پرداخت شده ندارد، بلکه عنصری در آثار فوکو است» (میلز، ۱۳۸۲). میلز همچنین گفتمان را یکی از پربسامدترین و در عین حال پرتناقض ترین واژه‌هایی می‌داند که فوکو در آثار خود به کار می‌برد. «در بررسی اصطلاح گفتمان باید گفت که این واژه مترادف با «زبان» نیست. گفتمان را باید نظامی دانست که شیوهٔ درک ما را از واقعیت شکل می‌دهد» (میلز، ۱۳۸۹).

سطح گفتمانی یا همان بررسی دیدگاه و اندیشه، بیانگر تجربهٔ نویسنده از دنیای خارج و نیز بازتاب دنیای درونی و اندیشه‌های شخصی اوست. هالیدی^۱ در این زمینه معتقد است که «در این بخش، زبان بیانگر پدیده‌های محیطی نظیر رویدادها، اشیاء، موجودات، کنش‌ها، کیفیت‌ها، حالت‌ها و روابط است» (هالیدی، ۱۹۸۷). فاولر^۲ نیز معتقد است در این سطح از تحلیل (گفتمان) حضور نویسنده و تأثیر نگاه او خیلی مهم است و باید زبان را به صورت کنش‌مند و ایدئولوژیک تحلیل کرد» (فاولر، ۱۳۹۰).

تفاوت‌های زبانی بین زنان و مردان می‌تواند در سطوح مختلفی مورد توجه قرار بگیرد. تفاوت زبان در سطح واژگان به این معناست که برخی کلمات یا عبارات فقط از سوی یکی از دو جنس استفاده می‌شود. نظر ترادگیل^۳ هم مؤید این نکته است؛ «مردان و زنان به زبان‌های متفاوتی تکلم نمی‌کنند، بلکه به گونه‌های متفاوت زبان واحد تکلم می‌کنند و تفاوت‌ها صرفاً جنبهٔ واژگانی دارد» (ترادگیل، ۱۳۷۶). در زبان فارسی می‌توان اصطلاحاتی مانند «خدا مرگم بده» را زنانه و «چاکرم» را مردانه دانست. «جامعهٔ فارسی زبان، کاربرد اصطلاح وابسته به یک جنس را از سوی جنس دیگر رفتاری غیرعادی می‌داند» (مدرسی، ۱۳۶۸). تفاوت در حوزهٔ دستوری زبان خصوصاً در زبان‌های غیرفارسی بیشتر خود را نشان می‌دهد: «تفاوت‌های دستوری مربوط به جنسیت در بعضی از زبان‌ها مانند کواساتی^۴ از تمایز مؤنث/ مذکر فراتر می‌رود. در این زبان، بسته به اینکه گوینده زن باشد یا مرد، صرف بعضی از افعال و نواخت^۵ برخی از کلمات فرق می‌کند» (باطنی و دیگران، ۱۳۸۱). تفاوت در نظام آوایی زبان زنان و مردان نیز در فارسی‌زبانان مشاهده نمی‌شود. در زبان گفتاری به انواع دیگری از تفاوت‌های

1- Halliday, M.

2- Fowler, R.

3- Trudgill, P.

4- Koasati

5- Tone

زبان زنانه و مردانه نیز می‌توان دست یافت: «موضوعاتی مانند نوبت‌گیری^۱ و مؤدب بودن^۲ و مدت زمانی که هر جنس در مکالمه استفاده می‌کند از مشخصه‌های جنسیتی هستند و ممکن است رابطه‌های قدرتی را نیز منعکس کنند» (آقاگلزاده و خسرونژاد، ۱۳۸۶).

۳-۲. چرا تفاوت؟

به نظر لیکاف^۳ تفاوت‌های زبانی میان زنان و مردان یکی از نتایج نابرابری‌های اجتماعی است و ویژگی‌های زبانی آنان بازتاب تفاوت‌هایی است که از نظر نقش و موقعیت اجتماعی میان اعضای این دو گروه وجود دارد (لیکاف، ۱۹۷۵). «لیکاف معتقد است ساخت‌هایی مانند «اینطور نیست؟»، «من فکر می‌کنم» و «شما می‌دانید»^۴ در انگلیسی که مفهوم عدم اطمینان از آن‌ها استنباط می‌شود در گفتار زنان کاربرد نسبی بیشتر یا نقش‌های متنوع‌تری دارند و بازتاب عدم اطمینان و تزلزلی هستند که در پایگاه و نقش اجتماعی زنان در جامعه انگلیسی زبان وجود دارد» (مدرسی، ۱۳۶۸).

دیدگاه دیگری، تفاوت‌های جنسیتی زبان را حاصل تفاوت اجتماعی می‌داند: «زبان گونه‌های جغرافیایی، نژادی و طبقاتی تا حدی ناشی از «فاصله اجتماعی»^۵ است، حال آنکه زبان گونه‌های جنسی، ناشی از «تفاوت‌های اجتماعی»^۶ است. از زنان و مردان طرز تلقی‌های اجتماعی و رفتارهای متفاوتی انتظار می‌رود و زبان گونه‌های جنسی، نماد این واقعیت هستند. استفاده از زبان گونه مؤنث به اندازه‌مثلاً پوشیدن دامن، نمونه‌ای از شناساندن خود به عنوان جنس مؤنث و رفتار مناسب زن است» (ترادگیل، ۱۳۷۶). اما نظر طرفداران برابری جنسیتی اینچنین است: «۱- دیدگاه تسلط: لیکاف اذعان داشت زنان به خاطر اینکه فاقد اقتدارند و زبانی محتاطانه دارند با «زبانی ضعیف»^۷ صحبت می‌کنند. علت اشاره به این سبک زنانه وجود نمونه‌هایی از کاربردهای ابزاری به اصطلاح تضعیف‌کننده مانند ناسزاهای ملایم‌تر، آهنگ مردد، بیان مطالب به صورت سؤالی یا همراه با سؤالات ضمیمه‌ای^۸ در کلام زنان بود. ۲-

1- Turn Taking

2- Politness

3- Lakoff

4- You Know?, I Think, Its So Not, Isnt it?

5- Social Distance

6- Social Difference

7 Powerless Language

8- Tag Question

دیدگاه تفاوت: نظریه پردازان این دیدگاه می‌کوشند خود را از مفهوم تسلط دور کنند. «در واقع هدف، مطالعه کارکرد زبانی زنان برحسب شرایط خود آن است. دیدگاه تفاوت تا حدودی مشخص کننده رفتار زبانی زنان با نگرش مثبت تر است» (پاک‌نهاد جبروتی، ۱۳۸۱). بنابراین، هر چقدر تفاوت بین نقش‌های اجتماعی زنانه و مردانه در جامعه‌ای بیشتر یا اساسی‌تر باشد، تفاوت‌های زبانی موجود بین زنان و مردان آن جامعه نیز بیشتر خواهد بود. همچنین استفاده از گونه زنانه زبان - به نوعی تعیین کننده هویت - به عنوان یک زن تلقی می‌شود. از یک زن انتظار می‌رود در جامعه رفتار کلی مناسب‌تری نسبت به یک مرد داشته باشد و صحیح‌تر از مرد حرف بزند؛ همین انتظار باعث می‌شود زن در خلق و نوآوری در حوزه زبان و ادب به عقب‌نشینی شده و جسارت کمتری از خود نشان دهد و به این ترتیب، زبان محافظه‌کار، نشانه زنانگی به حساب می‌آید. «مردان، زبان را قدرتمندانه و آمرانه به کار می‌گیرند در حالی که زنان از آن به شکل حمایت‌طلبانه و جذاب سود می‌جویند» (محمدی‌اصل، ۱۳۸۹). اعتقادات فمینیستی هم بر این نوع نگاه تأکید دارد: «فمینیست‌ها معتقدند از آنجا که در جوامعی مردسالار زندگی می‌کنیم، بعید به نظر نمی‌رسد که زبان ما هم تحت تسلط مردان باشد. از این رو، فمینیست‌ها با استفاده از زبان‌شناسی به دنبال الگوهای ویژه‌ای برای ایجاد کلام و نوشتار و به طور کلی، سبکی زنانه هستند» (نجاری، ۱۳۹۴). به این ترتیب، زنان برای نزدیک شدن به مرزهای برابری اجتماعی چاره‌ای جز پذیرفتن سبک مردانه زبان و کاربرد آن در زبان خود نخواهند داشت. «به باور فمینیست‌ها، زنان اساساً زیر فشار زبان حاکم و مسلط مردانه بوده‌اند. مردان زبان زنان را حقیر، ضعیف و غیرقطعی می‌دانند که بر موضوعاتی جزئی و ناچیز، سبک، غیرجدی و حتی احمقانه متمرکز می‌شود. آنان بر این باورند که زنان در پاسخ‌های خود بر کلامی احساسی و شخصی تأکید دارند در حالی که مردان را قوی، ثابت و نامتزلزل می‌دانند. از همین رو، معتقدند زنان باید سخن و کلام خود را مطابق با الگوی زبان مردان سازند تا بتوانند به برابری اجتماعی دست یابند» (شاهنده، ۱۳۸۴).

نظرات دیگری نیز زبان زنانه را نامطمئن و ضعیف، اما مؤدب‌تر می‌داند. «طبق تحقیقات انجام شده، زنان در داستان‌های خود بیشتر از اصطلاح رنگ استفاده کرده‌اند و مردان بیشتر از فحش و ناسزا. نویسندگان زن از صفات بیشتر در نوشته‌ها استفاده می‌کنند. زنان از عبارات

تعللی و مشددها بیشتر از مردان استفاده می‌کنند، اما مردان از پرسش‌واره‌ها بیشتر استفاده می‌کنند» (آفا گلزاده و خسرونژاد، ۱۳۸۶).

زن برای رها شدن از چارچوب مردانه کلام هنگام نوشتن، خلاقیت زبان را به یاری می‌طلبد تا بتواند ساختارهای مردانه و سرسخت جملات را به نفع آنچه می‌خواهد تغییر دهد. «خصوصیت اصلی زبان، خلاقیت است؛ یعنی انسان هنگام حرف زدن، جملات موردنیاز خود را صرفاً از میان یک مجموعه کلیشه‌ای و آماده و حاضر، انتخاب نمی‌کند، بلکه دائماً گفتارهای تازه و بدیع خلق می‌کند» (اچسون، ۱۳۶۴). بنابراین، زن وارد گستره «نوشتن» می‌شود. اما آیا این حضور صرفاً به جهت اثبات وجودش به عنوان جنسی جدای از مرد تحقق یافته است؟ ویرجینیا ولف^۱ نه فقط در نوشتن که در تمام عرصه‌های زندگی، نگاهی فراجنسیتی را تأیید می‌کند. «جای بسی تأسف است اگر زنان مانند مردان بنویسند یا مانند مردان زندگی کنند یا ظاهرشان شبیه مردان باشد، زیرا اگر این دو جنسیت تا این حد بی‌کفایت‌اند، چگونه می‌خواهیم تنها با یک جنسیت سرکنیم؟ آیا تحصیل و آموزش نباید تفاوت‌ها و نه تشابه‌ها را مشخص و تقویت کند؟» (ولف، ۱۳۸۵)

با توجه به تمامی نظرات مطرح شده کارشناسان حوزه‌های زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی باید به این نکته مهم توجه داشت که باورها، روحیات و شخصیت نویسنده و نیز شرایط حاکم بر محیط در زمان خلق اثر به طور حتم می‌تواند برخی از ویژگی‌های مطرح شده برای زبان زنانه را تحت‌الشعاع قرار دهد و این مورد به ویژه در نوع ادبی خاطره (خاطرات جنگ) که اصولاً شرایط بحرانی و غیرمعمول دوران جنگ را به تصویر می‌کشند، بسیار حائز اهمیت است. به این ترتیب ما در کتاب‌های خاطرات زنان از جنگ در کنار کاربرد زبان ضعیف و حمایت‌طلبانه، شاهد به کارگیری زبان آمرانه و قدرتمند توسط ایشان هم هستیم.

۳-۳. کتاب‌های منتخب

۳-۳-۱. «یک شبیه آخر»

کتاب یک شبیه آخر، خاطرات خودنگاشت معصومه رامهرمزی، دختر ۱۴ ساله آبادانی است که وقایع روزهای آغاز جنگ تا پس از آزادی خرمشهر در سال ۱۳۶۱ را به رشته تحریر درآورده است. حماسه دریاقلی، پیرمرد آبادانی، عکس‌العمل مادر معصومه در برابر احتمال

1- Echson, J.

2- Wollf, V.

اسارت دخترانش و صحنه شهادت اسماعیل، برادر معصومه در مقابل مسجد جامع خرمشهر که خود شاهد آن بوده از خاطرات تأثیرگذار کتاب است که با توصیف بسیار روشنی از صحنه‌ها نگاشته شده‌اند. «یک شنبه آخر» برای اولین بار در سال ۱۳۸۳ توسط انتشارات سوره مهر به چاپ رسید و در همان سال به عنوان یکی از آثار برگزیده نهمین دوره جشنواره کتاب سال دفاع مقدس انتخاب شد.

۳-۳-۲. «دختر شینا»

کتاب دختر شینا، خاطرات دیگرنگاشت قدم‌خیر محمدی‌کنعان، همسر شهید ستار ابراهیمی هژیور است که به قلم بهناز ضرابی‌زاده با هدف آشنایی با زندگی، افکار و خاطرات شهید ابراهیمی از زبان همسر ایشان نگاشته شده است. این اثر، دوران کودکی راوی تا زمان شهادت همسرش در عملیات والفجر ۸ را روایت می‌کند و اتفاقات و سختی‌های این زندگی مشترک مملو از عشق را با وجود داشتن پنج فرزند و همسری که به خاطر مسئولیتش دائماً در جبهه حضور داشته به تصویر می‌کشد. دختر شینا برای اولین بار در سال ۱۳۹۰ توسط انتشارات سوره مهر منتشر شده و از آثار برگزیده شانزدهمین دوره جشنواره کتاب سال دفاع مقدس در سال ۱۳۹۳ است.

۳-۴. انگاره‌های زنانه زبان در دو کتاب منتخب خاطرات زنان از دفاع مقدس مؤلفه‌های بیست‌گانه سبک زنانه زبان با تکیه بر دیدگاه میلز در دو سطح ساختار زبانی و ساختار اندیشه و محتوا به شرح جدول (۱) قابل بررسی هستند. ساختار زبانی، خود به دو بخش ویژگی‌های صرفی و نحوی تقسیم می‌شود.

جدول ۱. مقایسه مؤلفه‌های بیست‌گانه سبک زنانه زبان با تکیه بر دیدگاه میلز

واژگان زنانه	ویژگی‌های صرفی	ساختار زبانی
سوگندواژه‌ها	ویژگی‌های نحوی	
عبارات تعللی و مشددها		
توصیفات دقیق و جزئی		
اشاره به صفات (رنگ و جنس) اشیاء	ساختار اندیشه و محتوا	
پرسش‌واره‌ها		
آداب و رسوم		
باورها و خرافات		
ضرب‌المثل‌ها		
مسائل عاطفی در خانواده		
عشق		
نوستالژی یا غم غربت		
پیوند با آموزه‌های دینی و ملی		
بیان پیشینه خانوادگی، جغرافیایی و...		
مسائل سیاسی و اجتماعی		
امید و انتظار		
مشکلات و جایگاه زنان		
خودسانسوری (مرز مگوی خاطرات)		
لحن حمایت‌طلبانه و ضعیف		
اشاره به جریان زندگی در خاطرات		

۳-۴-۱. شرح مؤلفه‌های مورد بررسی با توجه به پرسش‌های میلز و نظرات

دیگر صاحب‌نظران

۳-۴-۱-۱. واژگان زنانه

واژگانی که جنسیت نویسنده از آن مشخص می‌شود، واژگان زنانه نامیده می‌شود؛ مثل حجاب یا مانتو، بارداری یا زایمان، بستن موهای بلند و... یا واژگانی که ارتباط مستقیم با زنان دارند؛ مثل آشپزی، رفت و روب و... .

یک شنبه آخر (۱۳۸۳): پشت لند کروز، باد چادرهایمان را به هوا می‌برد. ما در بیمارستان با مانتو و شلوار و مقنعه کار می‌کردیم.
دختر شینا (۱۳۹۰): از فردای آن روز مراسم ویژه قبل از عروسی شروع شد، مراسم رخت‌بران، اصلاح عروس و جهازبران.

۳-۴-۱-۲. سوگندواژه‌ها

از آنجا که بسامد استفاده از سوگندواژه‌ها در گفتار و نوشتار زنانه بسیار بالاست، بازتاب‌دهنده هویت جنسیتی راوی یا نویسنده محسوب می‌شود.

یک شنبه آخر (۱۳۸۳): هروقت می‌خواست دعایی کند و از خدا چیزی بخواهد، خدا را به موهایش قسم می‌داد.
دختر شینا (۱۳۹۰): گفتم: صمد! جان من بمان.

۳-۴-۱-۳. عبارات تعللی و مشددها

عبارات تعللی نشان‌دهنده نوعی عدم اطمینان در گفتار یا نوشتار هستند که ناشی از موضع فرودستی زنانه در جامعه و بازتابی از صدای زنانه می‌تواند باشد. مشددها همان قیود تأکید هستند. «عباراتی مانند حتماً، واقعاً، حقیقتاً و... که شدت و تأکید را به گفتار می‌افزایند» (نجفی عرب، ۱۳۹۴).

یک شنبه آخر (۱۳۸۳): هنوز هر بار که به آن مجروح فکر می‌کنم به یاد نمی‌آورم که کمپوت گیلان را به او دادم یا نه؟ لیوان آبی به او دادم یا نه؟ شاید آرزو دارم این کار را کرده باشم.

یک شنبه آخر (۱۳۸۳): از لحاظ سنی و ظاهری اصلاً به هم نمی‌خوردند.
دختر شینا (۱۳۹۰): صدایی نیامد. فکر کردم شاید گریه است.
دختر شینا (۱۳۹۰): تا صدای تقه درمی‌آمد، می‌گفتم حتماً صمد است.

۳-۴-۱-۴. توصیفات دقیق و جزئی

توصیفات دقیق و جزئی، نشان از دقت و ظرافت و شبکه خاص ذهن زنان دارد که از ویژگی‌های بارز خاطرات زنان است و گاه حس تعجب و تحسین خواننده را برمی‌انگیزد.

جزئی‌نگری در بیان خاطره، یکی از تکنیک‌های این گونه ادبی است. راوی چه زن باشد، چه مرد باید به این موضوع توجه کند؛ زیرا خاطره با واقعیات و حوادث ارتباط دارد و باید در کامل‌ترین شکل ممکن ارائه شود تا حتی‌الامکان تمام ابعاد صحنه‌ها و حوادث را منتقل کند، اما بررسی‌ها نشان داده است توجه زنان در توصیفات دقیق بسیار بیشتر از مردان است.

یک شب‌آخر (۱۳۸۳): پشت درمانگاه، در حیاط خانه زائر علوان یک اتاق گلی شش متری بود که محل خواب ما بود. در این اتاق یک حصیر بافته شده از الیاف نخل، یک گاز دو شعله رومیزی کوچک، یک سیلندر گاز، چهارپتو و تعدادی ظرف قرار داشت. دختر شینا (۱۳۹۰): حیاطمان خیلی بزرگ بود. دور تا دورش اتاق بود. دو تا در داشت، یک درش به کوچه باز می‌شد و آن یکی درش به باغی که ما به آن می‌گفتیم باغچه.

۳-۴-۱-۵. اشاره به صفات (رنگ و جنس) اشیاء

رنگ‌ها و نوع جنس اشیاء از صفاتی هستند که متاثر از جنسیت بانوان نویسنده به تناوب در کتاب‌های خاطرات زنان مورد استفاده قرار می‌گیرند.

یک شب‌آخر (۱۳۸۳): رضا مو مشکى و سبزه رو بود و اندیشه موهای بور و چشمان آبی داشت. آجی پیراهن سفیدی به تن داشت. دختر شینا (۱۳۹۰): به تازگی وانت قرمز رنگی خریده بود. از زیرچادر و تور قرمزی که روی صورتم انداخته بودند می‌توانستم بیرون را ببینم.

۳-۴-۱-۶. پرسش‌واره‌ها

آمار قابل توجهی از پرسش‌واره‌ها در کتاب‌های خاطرات زنان نداشت.

یک شب‌آخر (۱۳۸۳): موردی مشاهده نشد.

دختر شینا (۱۳۹۰): باید باور می‌کردم؟ نه، باور نکردم.

۳-۴-۱-۷. آداب و رسوم

اشاره به آداب و مراسم مختلف با توجه به محدوده جغرافیایی و شرایط فرهنگی محیط زندگی راوی، وجه مشترک تمامی کتاب‌های خاطرات زنان است که به خاطر زن بودن نویسنده مورد توجه قرار می‌گیرند و در آثار مردانه به ندرت دیده می‌شود.

یک شنبه آخر (۱۳۸۳): مادرم تا سه روز هیچ چیز نخورد. نمی‌توانستیم مراسمی برگزار کنیم. نه فاتحه‌ای، نه سه روزه‌ای و نه هفته‌ای.

دختر شینا (۱۳۹۰): دیدیم بچه‌ای که به طنابی وصل شده بود، از داخل دریچه آویزان شد توی اتاق، درست بالای کرسی. این برنامه هم طبق رسم و رسومی که داشتیم برای من که عروس بودم گرفته شده است.

۳-۴-۱-۸. باورها و خرافات

اشاره به باورها و خرافاتی که خود راوی یا اطرافیان وی به آن‌ها اعتقاد دارند از نشانه‌هایی است که در قلم زنان بیشتر از مردان دیده می‌شود. بنابراین، اشاره به آن‌ها با جنسیت راوی در ارتباط است.

یک شنبه آخر (۱۳۸۳): آقای کعبی گفت: خواهر رامهرمزی نرو، روح و اجنه در راهرو سردخانه هستند تو را اذیت می‌کنند. گفتم: آقای کعبی این قدر خرافاتی نباش. دختر شینا (۱۳۹۰): ته دلم می‌گفتم اگر روزه‌ام را بخورم، بچه‌ام بی‌دین و ایمان می‌شود.

۳-۴-۱-۹. ضرب‌المثل‌ها

کاربرد ضرب‌المثل‌ها در زبان زنانه، چه در گفتار و چه در نوشتار بسیار بیشتر از مردان بوده و از جمله عبارات تحت تأثیر جنسیت نویسنده هستند.

یک شنبه آخر (۱۳۸۳): بعد از آن هم هرچه از دوست رسد نیکوست. دختر شینا (۱۳۹۰): قدم جان! شتر دیدی ندیدی.

۳-۴-۱-۱۰. روابط عاطفی در خانواده

وابستگی عاطفی در کتاب‌های خاطرات زنان بسیار دیده می‌شود که بازتابی از هویت جنسی نویسنده محسوب می‌شود.

یک شبۀ آخر (۱۳۸۳): صبح از هم جدا شده بودیم؛ اما انگار سال‌ها از هم دور بودیم، به طرف هم دویدیم. همدیگر را در آغوش گرفتیم و بوسیدیم. دختر شینا (۱۳۹۰): تند و تند بچه‌ها را می‌بوسید و قربان صدقه‌شان می‌رفت.

۳-۴-۱-۱۱. عشق

اشاره به رابطه عاشقانه میان همسران از موضوعاتی است که راویان مرد به‌ندرت ذکر می‌کنند. آن داشته‌اند، اما در کتاب‌های خاطرات زنان بارها به آن اشاره شده است. یکی از دلایل اشاره مستقیم و پرتکرار به مقولۀ عشق، جلب توجه خواننده به این نکته است که شهدا مثل بقیۀ مردم دل‌بستگی‌هایی به زندگی و زن و فرزند داشته‌اند، اما در شرایط حساس جنگ از همه تعلقات جدا شده‌اند. اشاره به مقولۀ عشق از جمله مضامین مشترک آثار بانوان است.

یک شبۀ آخر (۱۳۸۳): از آنجا که یک‌شبۀ آخر، خاطرات زندگی راوی تا زمان فتح خرمشهر است که دو سال پس از این اتفاق ازدواج کرده است، در این کتاب موردی از اشاره مستقیم به مقولۀ عشق دیده نشد.

دختر شینا (۱۳۹۰): وقتی برمی‌گشت می‌گفت: قدم! تو با من چه کرده‌ای؟ لحظه‌ای از فکرم بیرون نمی‌آیی. هر لحظه با منی.

۳-۴-۱-۱۲. نوستالوژی یا غم غربت

یادآوری دوران خوب کودکی و بازگشت به روزهای پر از شادی از جمله مطالبی است که در نوشته‌های زنانه زیاد به چشم می‌خورد. «در رمان‌های زنان، نوستالوژی و غم غربت از مضامین رایج است و بازگشت به گذشته به صورت‌های مختلف از موضوع‌های مورد علاقه ایشان است» (حسینی، ۱۳۸۴). در دو کتاب مورد بررسی نیز حسرت از دست دادن روزهای گذشته وجود دارد که متأثر از جنسیت راوی است.

یک شنبه آخر (۱۳۸۳): روزهای تابستان به میان نخل‌های آخر خیابان سیاحی می‌رفتیم. چقدر در این کوچه و خیابان من و اسماعیل دوچرخه‌سواری کرده بودیم. چه روزهای خوشی که از در این خانه یکی یکی خارج شده و به مدرسه رفته بودیم. دختر شینا (۱۳۹۰): خوش به حال آن سالی که تابستان با هم خانه خودمان را ساختیم. چی می‌شد باز همان وقت بود و ما تا آخر دنیا با آن دلخوشی زندگی می‌کردیم؟

۳-۴-۱-۱۳. پیوند با آموزه‌های دینی و ملی

اشاره به آموزه‌های دینی و ملی مانند حفظ حجاب، انجام عبادات، حفظ حریم زن و مرد، دفاع از ناموس و خاک وطن، پایبندی به آرمان‌های انقلاب و... که بازتابی از هویت دینی و ملی زنان نویسنده است با بسامدی بالا در کتاب‌های خاطرات زنان دیده می‌شود. «ذکر این ویژگی دال بر مطلق‌انگاری شخصیت راویان نیست، چراکه برای انسان، خبط و گناه ممکن است و آسمانی پنداشتن ساحت جبهه‌های جنگ و فرشته جلوه دادن قهرمانان عرصه دفاع مقدس جز تحریف واقعیت و دور از دسترس نمودن فرهنگ آن دوره، ثمری نخواهد داشت» (رامهریزی، ۱۳۸۷). البته حضور یک رهبر دینی و حاکمیتی دین‌مدار در جامعه در طول سال‌های جنگ نیز همچنان به عنوان اصلی‌ترین عامل در تهییج نیروهای نظامی و مردمی در عرصه‌های مبارزه به‌شمار می‌رفت. همچنین از عامل تأثیرگذار دیگری که دفاع از هویت ملی و حس وطن‌پرستی است نباید غافل بود.

یک شنبه آخر (۱۳۸۳): یکی از دغدغه‌های ما در بیمارستان، رعایت کردن مسائل شرعی بود. برای مراقبت از مجروحین مجبور بودیم آن‌ها را جابه‌جا کنیم. فشار خونشان را بگیریم. بجز دغدغه رعایت مسائل شرعی و حدود محرم و نامحرم، ترس از سنگدل شدن عذابم می‌داد.

دختر شینا (۱۳۹۰): بدون اینکه فکر کند، گفت: نه! نه! اصلاً حرفش را هم نزن. من سرباز امامم. قول داده‌ام سرباز امام بمانم. امروز کشور به من احتیاج دارد.

۳-۴-۱-۱۴. بیان پیشینه خانوادگی، جغرافیایی، اجتماعی

به منظور کمک به معرفی راوی و همچنین مستند کردن خاطره از جهت علت حضور راوی در روزهای آغاز جنگ در مناطق درگیری انجام می‌شود. میل به بازگویی احوال راوی، پیش

از ورود به جنگ، هرچند در برخی کتب خاطرات مردان از جنگ دیده می‌شود، اما وجه مشترک همه آنها نیست. «زنان با وجود پای‌بندی به برخی مرزهای سکوت در بیان فرازی از زندگی متفق‌القول هستند و عدم روایت این بخش را موجب ضعف و نقصان خاطرات خود می‌دانند. شاید علت اولیه چنین اجماعی را بتوان متأثر از تلاش زنان برای اثبات حضورشان در جنگ دانست» (رامهریزی، ۱۳۸۷). حسینی این خصوصیت را برای نوشته‌های زنان مطرح می‌کند: «زنان در نوشتار ادبی خود در میان تصاویر، توصیف‌ها و گفت‌وگوها به دنبال هویت گم شده یا ناشناخته خود بوده‌اند» (حسینی، ۱۳۸۴). بنابراین، مسأله هویت به عنصری اساسی در نوشتار زنانه تبدیل می‌شود. «بازیابی خویشتن و هویت‌یابی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های در خور توجه در آثار داستانی زنان است که در سطوح مختلف متن در خور بررسی و تحلیل است» (سراج، ۱۳۹۴). این مورد علاوه بر انعکاس صدای زنانه می‌تواند نمایان‌گر مفهوم هویت زنان در جامعه باشد.

یک شنبه آخر (۱۳۸۳): حدود بیست و سه سال خانواده ما در محله شرکتی آبادان در منازل کارگری تانکی دو، ایستگاه نه جمشیدآباد زندگی کرده بودند. من چهار خواهر و سه برادر داشتم و ششمین فرزند خانواده بودم. دختر شینا (۱۳۹۰): آخرین بچه پدر و مادرم بودم. قبل از من دو دختر و چهار پسر به دنیا آمده بودند که همه یا خیلی بزرگ‌تر از من بودند و یا ازدواج کرده و سر خانه و زندگی خودشان رفته بودند. ما در یکی از روستاهای رزن زندگی می‌کردیم.

۳-۴-۱-۱۵. اشاره به مسائل سیاسی، اجتماعی

یکی از وجوه مشترک در بیشتر کتاب‌های خاطرات زنان، اشاره به مسائل و مشکلات سیاسی، اجتماعی و حتی بومی است که راوی به آنها اشاره کرده است. این به آن معنی نیست که در کتب خاطرات مردان به این دست مسائل اشاره نشده، اما بسامد تکرار و دقت در به یادآوری آنها در میان راویان زن بیشتر بوده و نشان‌دهنده هویت اجتماعی زنان است.

یک شنبه آخر (۱۳۸۳): گروه‌های مخالف هم سخت مشغول فعالیت بودند. منافقین در محله‌های مختلف شهر چادر به پا کرده و در زیر لوای کارهای خیر، مشغول تدارک برای مبارزه با حکومت اسلامی بودند.

دختر شینا (۱۳۹۰): اوایل انقلاب بود. اوج خراب‌کاری منافقین و تروریست‌ها. صمد با گروهک‌ها مبارزه می‌کرد.

۳-۴-۱-۱۶. امید و انتظار

امید داشتن به آینده‌ای روشن و در انتظار همسر و فرزند، شب و روز را گذراندن از خصوصیات خاص زنان است که در خاطرات خود نیز از آن یاد می‌کنند. «انتظار یکی از خصوصیات جدایی‌ناپذیر زنان در تمام دنیاست. انتظار به وفور در شعرها و داستان‌های نویسندگان زن خودنمایی می‌کند. با بررسی اجمالی آثار نویسندگان زن معاصر به رگه‌های پررنگ انتظار در متن پی خواهیم برد» (حسینی، ۱۳۸۴).

یک شبۀ آخر (۱۳۸۳): با شکست حصر آبادان، شهر جان تازه‌ای به خود گرفت. امیدوار بودیم شهر ما از حالت انزوا خارج شود. مردم به آبادان برگردند. دختر شینا (۱۳۹۰): من به امید تمام شدن سربازی‌اش، سعی می‌کردم همه چیز را تحمل کنم.

۳-۴-۱-۱۷. مسائل و مشکلات زنان و اعتراض به نوع نگاه به زن

مقاومت در برابر نگاه تضعیف‌کننده به زن و اعتراض به سلب حقوق زنان در برخوردهای افراد، اغلب در کتاب‌ها مشاهده می‌شود. این بخش در حقیقت بازتاب صدای زنانه در متن است.

یک شبۀ آخر (۱۳۸۳): بعضی از افرادی که در منطقه بودند خودشان را قیم خواهران می‌دانستند و مانع آزادی عمل ما بودند. تعدادی از برادران بسیجی و سپاهی هم مثل ما به شوش رفته بودند. آن‌ها حق داشتند و می‌توانستند بروند، اما خواهران فقط حق حضور در شهر خودشان را داشتند.

دختر شینا (۱۳۹۰): همه را به خاطر تو تحمل کردم. هر وقت رفتی، هر وقت آمدی، چیزی نگفتم. اما امروز جلویت می‌ایستم. نمی‌گذارم بروی. همیشه از حق خودم و بچه‌ها گذشتم، اما این بار نمی‌گذارم.

۳-۴-۱-۱۸. خود سانسوری (مرز مگوی خاطرات)

زنان به جهت پای‌بندی به مرزهای اخلاقی و فرهنگی حاکم بر جامعه از بیان برخی از خاطرات خود اجتناب می‌کنند. اشاره به این نوع خاطرات و عدم بیان واضح آن نشان از نوعی خود سانسوری توسط زنان در کتاب‌های خاطرات دارد و این در حالی است که زنان بیش از مردان علاقه‌مند به گفتن و شنیده شدن هستند، اما به اندازه مردان، حاشیه امنیت و استقلال ندارند. این مورد نیز نشانه‌ای از اعتراض زنانه در روایت به‌شمار می‌رود.

یک شنبه آخر (۱۳۸۳): ترس از حیثیت بود. خدا می‌داند در آن موارد هیچ‌وقت این طور سراپایم نلرزیده بود. پاهایم مثل دو چوب لرزان تکان می‌خورد و با وجود آنکه مسلح بودم، می‌لرزیدم.

دختر شینا (۱۳۹۰): گفت: این آخرین پیراهن حاملگی است که می‌خریم. لب‌گزیدم که یعنی کمی آرام‌تر. هرچند صاحب مغازه خانمی بود، با این حال خجالت می‌کشیدم.

۳-۴-۱-۱۹. لحن حمایت‌طلبانه و ضعیف

با توجه به نقش اجتماعی زنان و تفاوت آن با مردان در جامعه، لحن ضعیف به عنوان لحن زنانه در کتاب‌های خاطرات زنان نیز دیده می‌شود که اعتراضی به این نقش زنانه در متن به حساب می‌آید.

یک شنبه آخر (۱۳۸۳): او در حال جان دادن بود. من نمی‌توانستم قبول کنم که او داخل آمبولانس شهید شود. باید کاری می‌کردم. دست و پایم را گم کردم. گریه می‌کردم. دختر شینا (۱۳۹۰): نمی‌دانستم چطور بچه‌ها را ساکت کنم. کم مانده بود بزنم زیر گریه.

۳-۴-۱-۲۰. اشاره به جریان زندگی در متن خاطرات

زنان نماد زایش و رویش هستند و زندگی در تلخ‌ترین و سخت‌ترین روزهای جنگ، همچنان در جریان بوده است. با توجه به زن بودن راوی، بیان خاطراتی که اشاره به این وجه از سال‌های دفاع مقدس دارد در کتاب‌های خاطرات زنان به وضوح دیده می‌شود.

یک شنبه آخر (۱۳۸۳): دیدن چهره بچه‌هایی که در زیر آتش دشمن در کنار نهرها بازی می‌کردند و زن‌هایی که در تنور نان می‌پختند و مردهایی که در نخلستان‌ها تلاش می‌کردند، جنگ را از یاد می‌برد.

دختر شینا (۱۳۹۰): خانه را از آن بالا جارو کردم و دستمال کشیدم. آبگوشتم را بار گذاشتم. حیاط را آب و جارو کردم. کابینت‌ها را دستمال کشیدم. خانه بوی گل گرفته بود.

۳-۵. گستره گفتمانی در دو کتاب با رویکرد تحلیلی میلز

«دختر شینا»، زندگی زنی را روایت می‌کند که همسرش را در جنگ از دست می‌دهد. روایت از دوران کودکی راوی آغاز می‌شود و با ازدواج و آغاز جنگ و تولد فرزندان و مشکلات آن دوران ادامه یافته و در نهایت با شهادت همسرش و سختی‌های پس از آن به پایان می‌رسد و «یکشنبه آخر»، داستان زندگی دختر ۱۴ ساله آبادانی است که روایت خود را از دوران کودکی آغاز و با خاطرات روزهای سخت جنگ و فعالیت‌های امدادی‌اش در آبادان و خرمشهر ادامه می‌دهد و با رسیدن به روزهای آزادی خرمشهر به پایان می‌رسد.

* راویان در هر دو کتاب «زن» هستند. یکی همسر شهید و دیگری دختر نوجوان امدادگر. * زاویه دید در هر دو کتاب اول شخص است و هر چند موضوع کتاب‌ها جنگ است، اما درون‌مایه هر دو کتاب توجه به شخصیت زنان و حضور پررنگ ایشان در عرصه مبارزه و مقاومت در سال‌های جنگ است. در هر دو کتاب، متن بر شخصیت زنان بیش از مردان توجه دارد تا جایی که شخصیت زن روایت در دختر شینا که با هدف آشنایی با زندگی شهید نوشته شده، برجسته‌تر از خود شهید دیده می‌شود، اما حضور زنانه در کتاب یکشنبه آخر بیشتر دیده می‌شود. به عبارت دیگر، راوی حضوری روشن و محکم و قوی در آن روایت دارد. در مجموع در شخصیت‌پردازی‌ها در هر دو کتاب به شخصیت زنان بیش از مردان پرداخته شده است.

در جدول (۲)، تعداد و درصد به کارگیری مؤلفه‌های بیست‌گانه زنانه زبان در دو کتاب یکشنبه آخر (با ۲۱۶ صفحه) و دختر شینا (با ۲۴۹ صفحه) مورد بررسی قرار گرفته است. در جدول (۳) نیز آمار مؤلفه‌ها بین دو کتاب مورد بررسی ارائه شده است.

جدول ۲. تعداد و درصد به‌کارگیری بیست‌گانه زنانه زبان

یکشنبه آخر					
مورد	تعداد کاربرد	درصد کاربرد	مورد	تعداد کاربرد	درصد کاربرد
۱	۹۳	۴۳	۱۱	-	-
۲	۱۵	۷	۱۲	۲۳	۱۰/۵
۳	۶	۳	۱۳	۱۶۰	۷۴
۴	۶	۳	۱۴	۴	۱/۸
۵	۳	۱/۴	۱۵	۲۷	۱۲/۵
۶	۵	۲/۳	۱۶	۹	۴
۷	۲۳	۱۰/۵	۱۷	۱۲	۵/۵
۸	۱۰۵	۴۸/۵	۱۸	۳	۱/۴
۹	-	-	۱۹	۴	۱/۸
۱۰	۳۴	۱۶	۲۰	۱۶	۷/۵
دختر شینا					
۱	۲۴۰	۹۶	۱۱	۲۷	۱۱
۲	۱۸	۷	۱۲	۲	۰/۸
۳	۱۲	۵	۱۳	۷۱	۲۸/۵
۴	۲۰	۸	۱۴	۳	۱
۵	۲۰	۸	۱۵	۱۳	۵
۶	۵	۲	۱۶	۱۳	۵
۷	۶	۲/۴	۱۷	۲۱	۸/۵
۸	۷۸	۳۱	۱۸	۱	۰/۴
۹	۱	۰/۴	۱۹	۴۹	۱۷
۱۰	۵۳	۲۲	۲۰	۲	۰/۸

جدول ۳. مقایسه آمار مؤلفه‌ها بین دو کتاب یکشنبه آخر و دختر شینا

مورد	یکشنبه آخر*	دختر شینا*	تفاوت*	مورد	یکشنبه آخر*	دختر شینا*	تفاوت*
۱	۴۳	۹۶	+۵۳	۱۱	-	۱۱	+۱۱
۲	۷	۷	-	۱۲	۱۰/۵	۰/۸	-۹/۷
۳	۳	۵	+۲	۱۳	۷۴	۲۸/۵	-۴۵/۵
۴	۳	۸	+۵	۱۴	۱/۸	۱	-۰/۸
۵	۱/۴	۸	+۶/۶	۱۵	۱۲/۵	۵	-۷/۵
۶	۲/۳	۲	-۰/۳	۱۶	۴	۵	+۱
۷	۱۰/۵	۲/۴	-۸/۱	۱۷	۵/۵	۸/۵	+۳
۸	۴۸/۵	۳۱	-۱۷/۵	۱۸	۱/۴	۰/۴	-۱
۹	-	۰/۴	+۰/۴	۱۹	۱/۸	۱۷	+۱۵/۲
۱۰	۱۶	۲۲	+۶	۲۰	۷/۵	۰/۸	+۰/۵

* ارقام به درصد ارائه شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

زنان از مهم‌ترین اقشار اجتماعی هستند و توجه به خاطرات آنان ما را به نگاهی جامع به مقوله دفاع مقدس می‌رساند، اما در تعداد بسیاری از کتب خاطره دفاع مقدس، نقش زن در جنگ بسیار ضعیف و کم‌رنگ منعکس شده است. بنابراین، بایسته و ضروری است که به آثار منتشر شده زنان در عرصه خاطرات مانند انواع ادبی دیگر توجه بیش از پیش مبذول شود.

برای انجام این پژوهش با نگاه به رویکرد زبانی سارا میلز، پس از رسیدن به وجود سبکی زنانه در آثار زنان به ویژه در آثار روایی آنان از جنگ با تعیین مؤلفه‌های بیست‌گانه زبان زنانه در دو حیطه ساختار زبانی (صرفی و نحوی) و ساختار اندیشه و محتوا، بسامد کاربرد آن‌ها را در دو کتاب معرفی شده که با فاصله زمانی ۱۰ ساله (۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳) در جشنواره انتخاب کتاب سال دفاع مقدس برگزیده شده بودند به نسبت تعداد صفحات هر کتاب محاسبه کرده (جدول (۲))، سپس میزان تغییر در کاربرد هر مؤلفه به صورت درصد بیان شد (جدول (۲)). وجود ۱۰ سال فاصله بین زمان انتخاب این دو کتاب به عنوان کتاب برگزیده در حوزه ادبیات دفاع مقدس و نوع ادبی خاطره - که قطعاً تغییرات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی فراوانی در کشور را به دنبال داشته - می‌تواند عاملی در تغییر میزان کاربرد برخی مؤلفه‌های زنانه در این آثار باشد که نتایج حاصل از این بررسی، میزان این تغییرات را نشان می‌دهد.

طبق آمار ارائه شده در جداول ۲ و ۳، اگر از میزان تغییر زیر دو درصد چشم‌پوشی کنیم، بین ۲ تا ۱۰ درصد تفاوت را اندک دانسته، تغییر بین ۱۵ تا ۲۰ درصد را متوسط و بالای ۲۰ درصد را معنادار بدانیم در این صورت نتیجه حاصل از این پژوهش به قرار زیر خواهد بود:

- * استفاده از واژگان زنانه در کتاب دختر شینا نسبت به یکشنبه آخر به شکل معناداری افزایش (۵۳) و پیوستگی با آموزه‌های دینی و ملی به شکل معناداری کاهش (۴۵) داشته است.
- * اشاره به رنگ و جنس اشیاء در دختر شینا نسبت به یکشنبه آخر در حد متوسط کاهش (۱۷) و استفاده از لحن حمایت‌طلبانه و ضعیف در حد متوسط افزایش (۱۵) داشته است.
- * از مقوله عشق در این بخش با توجه به توضیحات، صرف‌نظر می‌شود.
- * اشاره به باورها و خرافات، ضرب‌المثل‌ها، سوگندها، توصیفات دقیق، روابط عاطفی، نوستالژی، مسائل سیاسی و اجتماعی و مسائل زنان با اختلافی بسیار اندک در هر دو کتاب کاربرد داشته‌اند.
- * اختلاف کاربرد سایر موارد قابل چشم‌پوشی هستند.

ذکر این نکته ضروری است که شرایط فرهنگی و جغرافیایی محل زندگی، سن و تحصیلات نویسنده یا راوی خاطرات به یقین در به‌کارگیری این مؤلفه‌ها موثر است که نباید از آن غافل بود. این بررسی‌ها نشان می‌دهد که در حوزه ساختار زبانی، تنها متغیر قابل توجه در این دوره ۱۰ ساله، کاربرد واژگان زنانه بوده که افزایش قابل توجه آن، قطعاً نه تحت تأثیر تغییرات شرایط کشور، بلکه می‌تواند به فراخور سلیقه و سواد نویسنده باشد. همین نکته در ارتباط با کاهش اشاره به صفات در حوزه زبانی هم صادق است.

در حوزه اندیشه و محتوا (سطح گفتمانی آثار)، کاهش معنادار پیوستگی با آموزه‌های دینی و ملی در این دو کتاب با توجه به فاصله ۱۰ ساله‌ای که همزمان با تغییرات فرهنگی و سیاسی و اجتماعی فراوان در کشور بوده اتفاق افتاده است. ضمن اینکه دور شدن از سال‌های دفاع مقدس و کاهش هیجانات و ویژگی‌های فضای خاص آن دوران نیز می‌تواند در تغییر این مؤلفه مؤثر بوده و نویسنده را از پرداختن بیشتر به این مقوله باز دارد. در بخش اندیشه و محتوا، افزایش به‌کارگیری لحن حمایت‌طلبانه و ضعیف زنانه هم به نسبت دیگر نشانه‌های سبک زنانه، قابل توجه است.

از برآیند تحلیل و بررسی دو کتاب چنین برمی‌آید که با گذشت مدت طولانی از سال‌های جنگ و با وجود اعلام اعتراض به تفاوت‌های موجود در جامعه در نگاه به زنان و مردان و قائل شدن نقش اجتماعی ضعیف‌تر برای زنان، کاربرد لحنی ضعیف و نیازمند به پشتیبانی و حمایت در آثار روایی زنان از جنگ افزایش هم یافته است و این مقوله باید هم مورد توجه مسئولان و متولیان رسیدگی به امور زنان باشد و هم عزم جدی جامعه را در نزدیک شدن به برابری نقش‌ها و موقعیت‌های اجتماعی زنان و مردان به یاری بطلبد.

این ویژگی‌ها که به خاطرات زنان هویت می‌بخشند، می‌توانند به عنوان مبانی اولیه نقد این خاطرات محسوب شده و به روند رشد نظری آثار زنان خصوصاً در حوزه خاطرات جنگ کمک کنند. علاوه بر آن، می‌توانند به عنوان ملاک و معیار مشخصی در داوری آثار ارسالی به جشنواره‌های مختلف مورد استفاده قرار بگیرند.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Mojgan Jafari

 <https://orcid.org/0000-0001-6250-2063>

Soheila Mosavi Sirjani

 <https://orcid.org/0000-0001-8585-8214>

Abdolhossein Farzad

 <https://orcid.org/0000-0002-7957-962X>

منابع

- اچسون، جین. (۱۳۶۴). *روانشناسی زبان*. عبدالخلیل حاجتی. چ ۱. تهران: امیرکبیر.
- آقاگلزاده، فردوس و خسرو نژاد، عبد... (۱۳۸۶). *جنسیت در متن‌های داستان‌های کوتاه فارسی و انگلیسی*. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- باطنی، محمدرضا و غیبی، منوچهر و خوشنام، محمود. (۱۳۸۱). *زبان و جامعه‌شناسی*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- پاک‌نهادجبروتی، مریم. (۱۳۸۱). *فردستی و فرودستی در زبان*. تهران: گام نو.
- ترادگیل، پیترو. (۱۳۷۶). *زبان‌شناسی اجتماعی*. ترجمه محمد طباطبائی. تهران: آگاه.
- حسینی، مریم. (۱۳۸۴). *روایت زنانه در داستان‌نویسی زنانه*. کتاب ماه ادبیات و فلسفه، ۹۳، ۹۴-۱۰۱.
- رامهرمزی، معصومه. (۱۳۸۷). *جنگ و روایت زنان*. اصحاب قلم، ۴، ۱۲۱-۱۴۲.
- _____. (۱۳۹۰). *یکشنبه آخر*. چ ۱۰. تهران: سوره مهر.
- سراج، سیدعلی. (۱۳۹۴). *گفتمان زنانه*. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- شاهنده، نوشین. (۱۳۸۴). *زن در تفکر نیچه*. چ ۴. تهران: قصیده سرا.
- ضرابی‌زاده، بهناز. (۱۳۹۴). *دختر شینا*. چ ۳۴. تهران: سوره مهر.
- فاولر، راجر. (۱۳۹۰). *زبان‌شناسی و رمان*. ترجمه محمد غفاری. تهران: نشر نی.
- محمدی‌اصل، عباس. (۱۳۸۹). *جنسیت و زبان‌شناسی اجتماعی*. تهران: گل آذین.

- مدرسی، یحیی. (۱۳۶۸). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- میلز، سارا. (۱۳۸۹). *میشل فوکو*. ترجمه داریوش نوری. تهران: نشر مرکز.
- _____. (۱۳۸۲). *گفتمان*. ترجمه فتاح محمدی. زنجان: هزاره سوم.
- نجاری، محمد. (۱۳۹۴). *زبان زنان*. تهران: اختران.
- نجفی عرب، ملاحظ. (۱۳۹۴). *زبان و جنسیت در رمان*. تهران: علم و دانش.
- ولف، ویرجینیا. (۱۳۸۵). *اتاقی از آن خود*. ترجمه صفورا نوربخش. تهران: نیلوفر.

References

- Aghagolzadeh, F. and Khosronejad, A. (2007). *Gender in Persian and English Short Story Texts*. Tehran: Tarbiat Modares University. [In Persian]
- Batani, M., Gheibit, M., Khoshnam, M. (2002). *Language and Sociology*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
- Echson, J. (1985). *Language Psychology*. Translation by Abdul Khalil Hajati. Tehran: Amirkabir. [In Persian]
- Fowler, R. (2011). *Linguistics and Novels*. Translation by Mohammad Ghaffari. Tehran: Ney Publishing. [In Persian]
- Halliday, M. (1978). *Language As Social Semiotics*. London: Edward Arnold.
- Hosseini, M. (2005). Women's Narrative in Women's Fiction. *Book of the Month of Literature and Philosophy*. 93. 94-101. [In Persian]
- Lakoff, R. (1975). *Language and Women's Place*. New York: Harper.
- Mills, S. (2005). *Feminist Stylistics*. 2 Edition Published. Taylor & Francis E-library.
- _____. (2010). *Michel Foucault*. Translation by Dariush Nouri. Tehran: Markaz Publishing. [In Persian]
- Modarressi, Y. (1989). *An Introduction to the Sociology of Language*. Tehran: Institute of Cultural Studies and Research. [In Persian]
- Mohammadi Asl, A. (2010). *Gender and social linguistics*. Tehran: Gol Azin. [In Persian]
- Najafi Arab, M. (2015). *Language and Gender in the Novel*. Tehran: Science and Knowledge. [In Persian]
- Najjari, M. (2015). *Women's Language*. Tehran: Akhtaran. [In Persian]
- Pak Nahad Jabarouti, M. (2002). *Superiority and Inferiority in Language*. Tehran: Gaam no. [In Persian]
- Ramhormozi, M. (2008). Women's War and Narration. *Ashabe ghalam Quarterly*, 4, 121-142. [In Persian]

- _____. (2011). *Last Sunday*. 10 Edition. Tehran: Surah Mehr. [In Persian]
- Seraj, S. A. (2015). *Women's Discourse*. Tehran: Enlightenment and Women's Studies. [In Persian]
- Shahandeh, N. (2005). *Woman in Nietzsche Thinking*. 4 Edition. Tehran: Ode. [In Persian]
- Tradgill, P. (1997). *Social Linguistics*. Translation by Mohammad Tabatabai. Tehran: Agah. [In Persian]
- Wolf, V. (2006). *A Room of its Own*. Translation by Safoura Noorbakhsh. Tehran: Niloufar. [In Persian]
- Zarabizadeh, B. (2015). *Sheena's Daughter*. 34 Edition. Tehran: Surah Mehr. [In Persian]

استناد به این مقاله: جعفری، مژگان، موسوی سیرجانی، سهیلا و فرزاد، عبدالحسین. (۱۴۰۰). سیر کاربرد انگاره‌های زنانه زبان در دو کتاب یکشنبه آخر و دختر شینا با نگاهی به رویکرد زبانی سارا میلز. فصلنامه متن پژوهی ادبی، ۲۵(۸۹)، ۵۹-۸۵. doi: 10.22054/ltr.2020.34489.2366



Literary Text Research is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.

